

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید  
۰۹ اپریل ۲۰۱۷

## بیانید همه چیز را از یک بعد نبینیم!

(جناب صاحب زاده محترم و عزیز)

می خواهم شما خود را برای چند لحظه در جایی که من قرار دارم، قرار بدهید. مائوئیست نیستید، ده بار این موضوع را خاطر نشان می کنید، و ده بار می نویسید، که من یک سوسیالیست با خدا هستم، باز هم به شما می گویند، که مائوئیست هستید. مائوئیست بودن سؤال یا موضوع بحث نیست؛ نپذیرفتن یا نفهمیدن یک سخن سر راست مطرح است. عکس العمل شما در برابر این گونه انسان ها چگونه خواهد بود؟ می خواهم شریفانه نظر تان را به من بنویسید، به ویژه وقتی یک انسان دعوی استادی و فهم بالا و... را داشته باشد!

آیا شما از یک استاد، یک فرد تحصیل کرده، یک داکتر، یک انسانی که به خود حق می دهد، حق گفتن و ابراز نظر در موردی را به دیگران بدهد یا ندهد، کسی که فهم هر چه انسان است را هیچ می پندارد، انتظار دارید، که چنین یک مطلبی را با یک بار نوشتن دریابد یا نه؟؟

چقدر باید در برابر این انسان ها حوصله کنیم؟ ما را با حضرت ایوب و خدا عوضی نگیرید. ما انسان های عادی هستیم. نه حوصله حضرت عیسی را داریم، نه صبر ایوب پیامبر و نه گذشت و بزرگی خدا را! دل انسان به خصوص وقتی درد می کند، که طرف بحث شما دارای مدرک و یک مقام بالای علمی باشد و ادعای فهم و دانش کند.

وقتی شما می گویند (باوجودی که من همواره گفته و می گویم که هر انسانی حق دارد حرف دلش را بدون ترس و هراس بزند) آقای "سدید" به دیگراندیشان این حق را قابل شوند، که آنها هم حق دارند فکر کنند ... کمی احساس ناراحتی و رنجش می کنم.

حق دادن به این معنا نیست که هر کس هر چه خواست بگوید، و شما حق نقد را ندارید! با یک کودک درشتی کردن گناه است، اما با اشخاصی که دارای مدارک عالی هستند و خود را عقل عالم و داکتر و پروفیسور و چه و چه می خوانند، وقتی خود را به کوچه حسن چپ می زنند، یا به کنه مطلب نمی رسند و یا نمی خواهند حقایق آشکار را قبول کنند و کماکان همان حرف های بی بنیاد خود را تکرار کنند، راه دیگری به شما باقی نمی ماند، مگر این که با ایشان با لحن جدی تر صحبت کنید.

شما درست می فرمائید، منتها اگر این بحث ها در محدوده بحث های یک یا دو نفر باقی می ماند. طوری که شما هم می دانید، بحث هایی که در رسانه ها صورت می گیرد، تأثیر گسترده و به سطح ملی دارند. بحث هایی هستند برای عموم

مردم. بنابراین مباحثات یا سکوت در خصوص این بحث ها در صورتی که به نحوی، آگاهانه باشند یا غیر آگاهانه، گمراه کننده باشند، گناه است.

بسیاری از مردم ما هنوز عادت به تعمق و بررسی همه جانبه مطالب را ندارند. هر کس هر چیز گفت، خصوصاً وقتی القاب داکتر و پروفیسور و... در کنار نام های شان نوشته می شود، فکر می کنند، که یگانه سخن صائب سخن همین اشخاص است. مردم را باید از این گونه فکر کردن نجات داد.

داشتن حق در بیان سخن یا اعتقادات، بدین معنی نیست، که هر کس هر چه گفت، او حق دارد و ما باید به دلیل احترام به حق آزادی بیان پیرامون آن سخن یا نظر چیزی نگوئیم!

بلی، روش من همین است. هم مدعی هستم و هم قاضی؛ مانند سقراط. سؤالی مطرح می کنم و بعد آن را تجزیه و تحلیل می کنم و نتیجه می گیرم و بر وفق آن نتیجه حکم صادر می کنم. می خواهم دیگران هم چنین شیوه ای را اختیار کنند. انسانی که نفهمد، ولی به قصور فکری خود اعتراف کند، نه تنها قابل تحقیر نیست، که این عملش به دلالتی مختلف قابل ستایش نیز است. اما کسانی که باوجود دعوی علم و دانش و داشتن مدرک، و با وجود ده ها بار توضیح مسأله، برای فهم یک موضوع و پذیرش حرف حق نکوشند و با به راه انداختن دعوا هم انرژی و وقت خود را ضایع کنند و هم انرژی و وقت طرف مقابل و خوانندگان را، بدون برو و برگرد مستحق نکوهش و سرزنش هستند. این گونه افراد قبل از این که دیگران آن ها را نکوهش، سرزنش یا تحقیر کنند، خود، خود را تحقیر می کنند!

من از شما محترم می خواهم یک نمونه از پارادوکس در نوشته های مرا به من نشان بدهید، تا من هم بدانم که در نوشته های من پارادوکس وجود دارد.

وقتی کسی به عمق آنچه من می نویسم، نرسد، گناه من نیست! شما یک نمونه را به من یادآور شوید، تا من آن را بشکافم و به شما نشان بدهم، که آنچه من گفته ام پارادوکس نبوده، بلکه کوتاهی در فهم و برداشت دیگران بوده است. در اخیر، عرض من خدمت شما محترم این است، که هر که بامش زیادتر، برفش بیشتر. سخنان کسانی که علم و مدرک دارند، ولی باوجود آن حرف های بی سر و ته می زنند، بیشتر از یک انسان نادان و مدرسه ندیده باید زیر ذره بین نقد گرفته شود!!

امید با صراحت لازم کلام من آزرده نشده باشید. چه کنم؟ برداشت من همین است، که در شرائط و زمانی که ما قرار داریم، نه گفتن گفتمنی ها به صورت آشکار، جرمی است نابخشودنی!!

۲۰۱۷/۰۴/۰۹